

گزارش

بحران در لبنان

خلع سلاح حزب‌الله لبنان می‌تواند به شکاف‌ها دامن بزند

دولت لبنان در نهایت تصمیم خود را درباره خلع سلاح حزب‌الله حتمی کرد. براساس این طرح ارتش باید برنامه خود را درباره خلع سلاح تا پایان سال جاری میلادی اعلام کند. ماجرای خلع سلاح از سوی ایالات متحده آمریکا به صورت ویژه در ماه‌های گذشته دنبال شده بود و حمایت اسرائیل و عربستان را با خود داشت. پس از جنگ میان اسرائیل و لبنان در سال گذشته، آتش‌بسی لرزان در لبنان شکل گرفت که واشنگتن میانجی آن بود. یکی از پایه‌های این آتش‌بس، خلع سلاح حزب‌الله بود، اما این گروه شیعی لبنانی می‌گوید مسئله خلع سلاح تا زمانی که اسرائیل از نقاط مختلف لبنان عقب نکشیده و به حملات روزانه‌اش به این کشور پایان نداده است، بی‌معنی خواهد بود. دولت لبنان خواهان آن است که از این پس فقط ارتش این کشور سلاح در دست داشته باشد. آنها این امر را با ثبات سیاسی و امنیت در کشور یکی می‌شمارند و آن را تبدیل به یک هدف کرده‌اند.
طرحی که درحال‌حاضر تصویب شده، از سوی ایالات متحده مطرح شده بود. براساس این طرح، بیروت باید تا پایان سال ۲۰۲۵ دست به خلع سلاح حزب‌الله بزند و بعد در ازای آن ارتش اسرائیل حملات خود را متوقف خواهد کرد و عقب‌نشینی مرحله‌ای آنها از پنج نقطه از لبنان آغاز خواهد شد. طرح را تام باراک، نماینده دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با خود به بیروت آورده بود.

بول مرقص، وزیر اطلاع‌رسانی دولت لبنان، پنجشنبه‌شب در سخنانی از موافقت دولت این کشور با اهداف سند آمریکایی مبنی بر «پیشبرد یک راه‌حل جامع و پایدار» خبر داد. او تاکید کرد: هیئت دولت لبنان با انحصار سلاح در دست دولت و استقرار ارتش این کشور در جنوب را تصویب کرده است. فقط خلع سلاح حزب‌الله نیست که از سوی ایالات متحده به لبنان تحمیل شده است. طرح تام باراک شامل موارد دیگری مانند استقرار نیروهای دولتی لبنان در مناطق کلیدی و مرزی هم می‌شود. مسئله دیگر همچنین حل مسائل مربوط به اسرای لبنانی از طریق مذاکرات غیرمستقیم و تعیین نهایی مرزهای لبنان با اسرائیل و سوریه نیز از مفاد این طرح به شمار می‌روند.

در جلسه‌ای که به تصمیم‌گیری نهایی درباره خلع سلاح حزب‌الله انجامید، دو وزیر این کشور از حزب امل و حزب‌الله که هر دو از شیعیان بودند، جلسه را ترک کردند. الجزیره مدعی شده که ژورف عون تلاش کرده این دو نفر را در اتاق نگه دارد اما موفق نشده است. وزرای امل و حزب‌الله ضمن رد قاطعانه بررسی سند آمریکا به عنوان یک توافق تاکید کردند باید تا زمان خروج نظامیان رژیم مهبونیستی از خاک لبنان، توقف حملات این رژیم و آغاز بازسازی، هرگونه اظهارنظر درباره سلاح حزب‌الله به تعویق بیفتد. حزب‌الله لبنان می‌گوید تن به خواسته دولت نخواهد داد و قرار نیست تصمیم درباره خلع سلاح را بپذیرد. از یک روز قبل از جلسه کابینه دولت لبنان تا جمعه‌شب و لحظه نگارش این یادداشت، طرفداران حزب‌الله خیابان‌های بیروت را در اعتراض به آن ترک نکرده‌اند. آنها ژورف عون، رئیس‌جمهور این کشور و نواف سلام، نخست‌وزیر را متهم می‌کنند که دست به اقدامی علیه منافع ملی لبنان زده‌اند.

در لبنان این ایده که حزب‌الله دستت از فعالیت نظامی کشیده و فقط به گروهی سیاسی تبدیل شود، مدت‌هاست که مورد بحث قرار می‌گیرد. این ایده در میان گروه‌هایی از جامعه طرفدارانی دارد، اما از آنجایی که وضعیت در لبنان به صورت مداوم متشنج بوده و صلح و امنیت از سوی اسرائیل دانه‌امور تهدید قرار می‌گیرد، ایده خلع سلاح خام به نظر می‌رسد. نگرانی‌های فعلی برای لبنان دیگر فقط اقتصادی نیست. این کشور دست‌کم از زمان انفجار بزرگ در بیروت، وارد وضعیت بحرانی اقتصادی شده است که تا امروز راه‌حلی برای آن پیدا نشده است. از سوی دیگر، در میان وعده‌هایی که با هدف خلع سلاح حزب‌الله داده می‌شود، موضوع کمک مالی به ارتش این کشور هم مطرح است که می‌تواند دولت را متقاعد کند به خواسته‌های حزب‌الله تن بگوید. برخی از ناظران می‌گویند لبنان با سابقه طولانی جنگ داخلی که به ویران شدن عروس خاورمیانه انجامید و این کشور را در سلسله‌ای از بحران‌ها فروبرد، شکاف‌های پنهان بسیاری دارد که عمیق‌ترشدن آنها امنیت را در بیروت و دیگر شهرها تحت تأثیر قرار می‌دهد. پحران فعلی درصورتی‌که از سوی همه طرف‌ها کنترل نشود، می‌تواند تبدیل به مشکلات عدیده سیاسی از یک سو و حتی تکرار فاجعه جنگ داخلی شود. به نظر می‌رسد خلع سلاح حزب‌الله برای دولت فعلی لبنان بدون تنش انجام نگیرد. گفت‌وگوها تا امروز به نتیجه نرسیده‌اند و حتی پیشنهاد حزب‌الله درباره گفت‌وگو بر سر طرحی که مورد حمایت همه طرف‌ها قرار بگیرد و طرح بیهی بری، رئیس‌مجلس لبنان، درباره رسیدن به یک چارچوب که منافع بخش گسترده‌تری را هدف قرار دهد، از سوی عون و سلام مورد استقبال قرار نگرفته است. دولت لبنان با بهانه بازگرداندن امنیت به لبنان و ممانعت از حملات اسرائیل قصد دارد تصمیمی را ایجاد کند که می‌تواند به سخت‌ترشدن شرایط در این کشور منتهی شود.

یادداشت

روزخبرنگاراست

امیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نیز در شرایطی بحرانی است. اگرچه در دو سال گذشته اخبار کمتری از تشکیل پرونده و محاکمه بازداشت روزنامه‌نگاران منتشر می‌شود، ولی موارد متعددی وجود دارد که برخی نهادها با احضار آنها یا تماس تلفنی، شرایطی ایجاد می‌کنند که عملا امکان کار حرفه‌ای را سلب می‌کند. در این میان، دولت هیچ طرح و برنامه‌ای برای بهبود شرایط روزنامه‌نگاری ارائه نداده است. مشکلات جامعه رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران در اولویت‌های پایین دولت هم نیست. دسترسی به اینترنت آزاد، به عنوان یک منبع مهم خبر، با فیلترینگ به‌شدت محدود شده است.
بنا این‌همه، روزنامه‌نگاران با قبول همه سختی‌ها و خطرها، دست از کار نکشیده و در بدترین شرایط کار حرفه‌ای خود را انجام می‌دهند. اگر اراده استوار روزنامه‌نگاران مستقل و آزاد نبود، جامعه ایران و دولت و... از وجود همین روزنامه‌نگاری رنجور ولی شجاع و متعهد محروم بودند.
روز خبرنگار، روز بزگداشت حرفه‌ای است که پنهانکاران قدرت‌مدار دوستش ندارند. ولی مصلحت خود نمی‌دانند پرده از واقعیت خود بردارند.

خوب‌بودن به‌تنهایی کافی نیست

وقتی افکار عمومی به امان خدا رها شده و کاملا آن را به رسانه‌های ضد ایرانی سپرده‌ایم و رسانه ملی همه تکلیفش روشن است، همه چیز را باخته‌ایم. قطعا هزار موضوع دیگر هم در کشور هست که اهمیت دارد، ولی وقتی مرجعیت رسانه در بیرون کشور باشد، آنها هستند که برای مردم مشخص می‌کنند که چه چیز مهم است. با این دست‌فرمان رسانه‌ای که دولت و کل ساختار در پیش گرفته، مرجعیت رسانه‌ای همچنان در بیرون کشور خواهد ماند. حالا هر چقدر هم که رئیس‌جمهور آدم خوبی باشد.



اما واگرهای طرح نخست‌وزیر اسرائیل برای اشغال غزه

قمار سیاسی نتانیاھو در باریکه غزه

است که یک همدست در کاخ سفید دارد که می‌تواند منافع نتانیاھو را دنبال کند.

اشغال باریکه غزه چه معنایی دارد؟

رسانه‌های اسرائیلی می‌گویند ارتش به صورت فوری وارد غزه نخواهد شد و ابتدا اهالی آنجا را ترک می‌کنند. براساس طرح ابتدایی و ادعایی دولت نتانیاھو، این طرح فقط بر روی منطقه غزه بدون در نظر گرفتن اردوگاه‌های اطراف متمرکز است. اما کمتر کسی می‌تواند بگوید که نتانیاھو به همین میزان اکتفا خواهد کرد. به نظر می‌رسد که منظور، صدها هزار ساکن شمال غزه باشد. از سوی دیگر نتانیاھو اعلام کرده که نیروهای عرب قرار است در آینده اداره غزه را به دست بگیرند، اما درباره اینکه منظورش دقیقا از نیروهای عرب چیست، توضیح شفافی ارائه نداده است. اردنی‌ها و مصری‌ها ظاهرا مایل‌اند در اداره غزه مشارکت داشته باشند، اما این ایده هم تا امروز فقط یک گمانه‌زنی از سوی رسانه‌های غربی به حساب می‌آید و معلوم نیست که آیا اداره باریکه غزه درصورتی‌که نتانیاھو موفق شود طرحش را به ثمر برساند، به کشورهای همسایه باریکه غزه منتقل خواهد شد یا وضعیت به صورت مبهم برای زمانی نامعلوم باقی می‌ماند.

از نظر مالی، اشغال باریکه غزه با پرداخت هزینه‌های گزاف برای دولت نتانیاھو همراه است. اما ظاهرا تل‌آویو به این موضوع اهمیت زیادی نمی‌دهد. حتی در زمانی که نتانیاھو فقط به بمباران بی‌امان غزه اکتفا کرده بود، مخالفان دولت بر سر اینکه هزینه بسیار زیادی صرف یک جنگ بی‌پایان شده است، اتفاق نظر داشتند، اما برای بنیامین نتانیاھو نگرانی بابت هزینه‌ها یک امر فانتزی و فاقد اهمیت است.

خبرنگار اسرائیل‌هیوم معتقد است هزینه اشغال کامل غزه در ماه‌های پیش‌رو می‌تواند به شش میلیارد دلار برسد. همچنین هزینه بسیار بالایی باید صرف نگهداری از ۲۰۲ میلیون نفر از جمعیت فلسطینی غزه شود. طبق پیش‌بینی رسانه‌های اسرائیلی، ارتش اسرائیل باید ابتدا با پنج لشکر و به مدت شش ماه کار خود را در باریکه غزه آغاز کند.

آغاز عملیات می‌تواند به مرگ گروگان‌ها بینجامد. از سوی دیگر، تحلیلگران اسرائیلی معتقدند از نظر دیپلماتیک، روابط بین‌المللی نتانیاھو با چنین تصمیمی نابود خواهد شد. ۸۰ درصد از جمعیت غزه که از خانه‌های خود آواره شده‌اند، در همان ۲۵ درصد از سرزمین غزه زندگی می‌کنند که نتانیاھو قصد اشغالش را دارد. آنها در چادرها زندگی می‌کنند و پیش‌ازاین خانه و بسیاری از اعضای خانواده را از دست داده‌اند. در حقیقت نزدیک به دو میلیون فلسطینی در سطح اشغال نتانیاھو تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

نتانیاھو نمی‌تواند به این موضوع اعتراف کند که نزدیک به دو سال جنگ در غزه فقط ویرانی و بدنامی و مرگ به بار آورده است. در حقیقت اداره این باریکه کماکان در دست حماس است و زندانیان اسرائیلی از طرف این گروه در نقاط اشغال‌نشده در غزه نگهداری می‌شوند و دورنمایی برای آزادی آنها وجود ندارد. در چنین شرایطی برای بنیامین نتانیاھو دشوار است که اعتراف

کند هزینه گزافی که بابت حمله به غزه به اسرائیلی‌ها تحمیل کرده، راه به جایی نبرد. او در مقابل تصمیم گرفته است وضعیت را از قبل هم دشوارتر کند. برای نتانیاھو که بیش از ۷۰ سال دارد و پرونده قضائی او در دست بررسی است، پایان جنگ غزه می‌تواند به معنای پایان کار سیاسی او و رسیدگی به پرونده برپیمانش باشد. «بی‌بی» باید میان مرگ سیاسی یا اشغال غزه و به خطر انداختن جای زندانیان و به جان خریدن بدنامی عظیم سیاسی یکی را انتخاب کند و ظاهرا همین حالا هم انتخاب خود را کرده است.

یادداشت

اعتیاد به نوستالژی

این اشباع‌شدگی به بی‌معنایی و گریز از آن انجامیده است و طیفی از مردم که درصددند صدای اکثریت باشند از هر جنبش و جریان و حرکتی که وابسته به یک معنا و تفکر باشد سخت گریزانند و از هر اندیشه و مفهومی که درک آن سستلرم زحمت و مرارت باشد پرهیز کرده و به دنبال مفاهیم یا وضعیت‌های آسان یابند: «در جهان بهترین چیزها را نیز ارجی نیست تا آنکه نخست کسی آنها را به نمایش گذارد. مردم این نمایشگران را مردان بزرگ می‌خوانند. مردم از بزرگی، یعنی از آفرینندگی، چیزی چندان نمی‌دانند. اما کششی‌ست ایشان را به نمایشگران و بازیگران چیزهای بزرگ، جهان گرد پایه‌گذاران ارزش‌های نو می‌گردد: با گردشی ناپیدا. اما مردم و نام گرد نمایشگران می‌گردند: چنین است «راه

و رسم جهان، می‌گذرد از جانی‌ست؛ اما جانی نه‌چندان باوجدان. ایمان او همواره به چیزی‌ست که بیش از همه دیگران را وادار به ایسان‌آوردن به آن می‌کند –ایمان به خویشتن خویش! فردا او را ایمانی تازه است و پس‌فردا ایمانی تازه‌تر. او، همچون مردم، حسی تند دارد و حال و هوایی گردنده».۱ شاید از این منظر است که بخشی از جامعه به «نوستالژی» تن داده است. نمایشگران نوستالژی بسیاریرن، چراکه با توان نوستالژی می‌توان برداشتی کلی و غیرانتقادی از تاریخ داشت و صرفاژوایای خوشایند آن را به خاطر آورد و رؤیایی از آن را باآزقربنی کرد. آرمان‌شهری از گذشته تاریخی که واقعیت‌های تلخ آن به نسبت زندگی پرمشقت کنونی از یاد رفته است. جامعه‌ای که توان ابداع معنا و مفهوم را ندارد، جامعه‌ای خسته، ناامید و بازنشسته است؛ مهم نیست که آمار جمعیت، خبر از جوانی آن می‌دهد. جامعه‌ای که بر هر مفهوم و معنایی می‌تازد و فاقد نگاه انتقادی منصفانه به وضعیت کنونی خود است و غم روزهای از دست رفته را می‌خورد، جامعه‌ای پیر و بازنشسته است که هیچ نویی از آن زاده نخواهد شد. آینده ایران در گذشته و اکنون آن است. هیچ بخشی از تاریخ ایران همچون یک کیک نیست که بتوان تکه‌ای از آن را برید و به امروز آورد. هر چیز نویی از جمله جامعه و دولت نو، از دل نگاه انتقادی و کاوشگرانه

برمی‌خیزد. جامعه معتاد به نوستالژی سرتانجام «آوردوز» می‌کند. آدم‌های این جامعه در خلسه‌ای از گذشته و حال ستایشگر خود هستند و از هرکه همچون آنان نیست متنفرند. در این محورت «من» است که نفرت در جامعه نهادینه خواهد شد. جامعه‌ای که از انقلاب بیزار است، اما از نوستالژی، انتظاری انقلابی دارد. هیچ گذشته‌ای بی‌کم‌وکاست احیا نخواهد شد و این غایت‌گرایی نافرجام به خشم وعصبیت ایدئولوژیک منتهی خواهد شد. دو مفهومی که کارکردی همچون سیل دارد و جز ویرانی از دل آن چیز دیگری بیرون نخواهد آمد.

۱. از کتاب «چنین گفت زرتشت» فریدریش نیچه، ترجمه داریوش آشوری، نشر آگه

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی

انجمن صنعتی کارگری مهندسین جوش استان اصفهان از کلیه اعضا دعوت می گردد در مجمع عمومی عادی انجمن که از ساعت ۹ صبح لغایت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۰۴/۰۶/۱۲ از طریق مراجعه به سامانه برگزاری انتخابات به صورت غیر حضوری (که لینک سامانه به شماره همراه اعضا پیامک خواهد شد) و با دستور کار ذیل برگزار می گردد شرکت نمایند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی:
۱- اظهار نظر در خصوص گزارش هیات مدیره و بازرس و خزانه دار
۲- انتخابات اعضا اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسی
کاندیداهای عضویت در هیات مدیره و بازرسی انجمن و کاندیداهای نظارت بر مجمع که کاندیدای هیات مدیره و بازرسی نباشند می توانند درخواست خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۷ به نماینده هیات مدیره تحویل نمایند

هیات مدیره انجمن صنعتی کارگری مهندسین جوش استان اصفهان

برگ سبز سند مالکیت خودرو سواری دنا EFVTCAL

رنگ مشکی متالیک به نام آقای ایمان جان زمین به
شماره شاسی NAAW۶۱HYESDJ۵۱۷۶۹ ، شماره
موتور ۱۵۳H۰۲۴۹۸۶۵ و پلاک ۱۰ ایران ۵۹۷ه۸۳
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی وبرک سبز موتور سیکلت آهاریکو۱۵۵

مدل ۱۴۰۳ رنگ مشکی شماره موتور۱۸۱۴۲۲-G۳P۴E-۰۱
شماره شاسی: N۳YGSFCGSRKw۱۲۰۹۴
شماره پلاک ۱۲۳۴۹۷ ایران۱۵۶
به نام رضا مقدم غفاری مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.